

پیشنیازهایی برای موفقیت تعاونیها: معیاری برای^(۱) شرکتهای تعاونی واقعی

نوشته : کارل فوگلستروم^(۲)

ترجمه : علیرضا امینی^(۳)

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده :

در این مقاله، مؤلف عوامل یا پیشنیازهای موفقیت یک شرکت تعاونی را معرفی می‌کند. به نظر

۱. این مقاله تحت عنوان :

Prerequisites for Cooperative Success : Criteria for Genuine Cooperative Societies.

برگرفته شده از سمپوزیوم تعاونیهای روستایی آسیایی که در دسامبر ۱۹۹۲ برگزار شده می‌باشد. برای اطلاعات بیشتر به مأخذ زیر مراجعه کنید :

ASIA'S RURAL COOPERATIVES, Published in 1994 in The United States by Westview Press.

۲. Karl Fogelstrom مشاور عالی توسعه در اتحادیه تعاونی بین‌المللی، دفتر منطقه‌ای آسیا - اقیانوسیه در هلی‌نو هند.

۳. دانشجوی دوره دکتری رشته اقتصاد و کارشناس دفتر برنامه‌ریزی نیروی انسانی و اشتغال سازمان برنامه و بودجه.

وی، بسیاری از تعاونیها در کشورهای در حال توسعه، ویژگی یک شرکت تعاونی واقعی را ندارند. بسیاری از تعاونیها توسط دولت ایجاد شده‌اند و در مواقع می‌بایست این نوع تعاونیها را تعاونی غیرواقعی یا شبه تعاونی نامید، زیرا، شرایط یک شرکت تعاونی واقعی را دارا نیستند.

دولت نقش مثبتی در حمایت و تشویق توسعه تعاونیها بازی می‌کند، همان طور که حمایت و تشویق دولت برای توسعه انواع دیگر بنگاههای اقتصادی مهم است.

نویسنده معتقد است در راه اداره کردن درست تعاونیها، محدودیتهای مشخصی وجود دارد. دولتها لازم است ابتدا از ماهیت واقعی تعاونیها اطلاع حاصل کنند و سپس مطابق با آن سیاستهای خود را مورد تجدیدنظر قرار دهند.

بالاخره مؤلف به این موضوع اشاره می‌کند، که یک درک فزاینده‌ای بین سیاستمداران و کارگزاران دولتی وجود دارد که شرکتیهای تعاونی که توسط دولت ایجاد شده‌اند، لازم است به تعاونیهای مستقل و متکی بر اعضا تبدیل شوند.

برای اینکه یک شرکت تعاونی ابتدایی موفق باشد، لازم است شرایطی را احراز کند تا قادر باشد وضعیتی را ایجاد کند که موجب تشکیل و رشد یک شرکت تعاونی پایدار شود. این شرایط عبارت است از :

الف - آگاهی، درک و احساس نیاز اعضای ذینفع، به خدمات یک شرکت تعاونی ابتدایی به عنوان وسیله‌ای برای بهبود وضعیت اقتصادیشان.

ب - آگاهی اساسی از اصول تعاونی و یک درک اساسی از مکانیزمهای اداره کردن یک شرکت تعاونی بین اعضاء و رهبران.

ج - رهبران محلی درستکار و دارای سابقه خوب و معلومات لازم و دارای درک لازم از اصول تعاونی.

د - کارمندان درستکار و شایسته که به آنها پاداش کافی پرداخت شود تا تجارت هر روزه شرکت تعاونی را اداره کنند.

ه - پایگاه کافی از نظر حجم یا پتانسیل در درون ناحیه عملیاتی برای حفظ عملیات تجاری

پیشنیازهایی برای موفقیت تعاونیها

پایدار و فراهم کردن انگیزه‌های اقتصادی برای اعضا.

و - وجود و دسترس به یک کارکرد بازار و ساختار بازاریابی.

ی - وجود قانون تعاونی که اصول تعاونی را به صورتی که بوسیله (۱) ICA تعریف شده به رسمیت بشناسد و اجازه دهد تعاونیها به صورت سازمانهای تجارت مستقل، دموکراتیک و مبتنی بر اعضا انجام وظیفه کنند.

موقعی که موفقیتها و یا شکستهای شرکتهای تعاونی ابتدایی را تجزیه و تحلیل می‌کنیم، بیشتر توضیحات در این زمینه به حضور یا غیاب نسبی چند مورد از عوامل فوق‌الذکر مربوط می‌شود.

آگاهی

فرم مطلوب تشکیل یک شرکت تعاونی ابتدایی، آن است که متکی بر درک گروهی از افراد باشد که می‌توانند وضعیت اقتصادیشان را از طریق تشکیل یک شرکت تعاونی به منظور ارائه خدمات به خودشان بهبود بخشند، مشروط بر اینکه اگر اعضا به طور انفرادی عمل کنند و تشکیل تعاونی ندهند، دسترس به این خدمات امکانپذیر نباشد. این گروه افراد لازم است نسبتاً همگن باشند، یعنی نیازها و مشکلات مشابهی داشته و در محیط اقتصادی و اجتماعی یکسانی زندگی کنند. همگن بودن شرط موفقیت یک شرکت تعاونی است، بویژه زمانی که به موقعیت اقتصادی و نیازهای اعضا، در رابطه با خدماتی که تعاونی برای پاسخگویی به آن نیازها فراهم خواهد کرد، توجه کنیم.

اعضا لازم است در وضعیتی باشند، تا بتوانند وضعیتشان را تجزیه و تحلیل کرده و مسائلی را که با آن مواجه هستند صورتبندی کنند. آنها لازم است، برای بهبود وضعیت اقتصادیشان، اطلاعاتی درباره شقوق و امکانات مختلف برای پاسخگویی به مسائلشان داشته باشند. در این صورت تصمیم برای پیوستن به یک شرکت تعاونی، باید تصمیمی مبتنی بر اختیار و آگاهی باشد.

موقعی که گفته می‌شود آگاهی یک معیار مطلق برای تضمین موفقیت یک شرکت تعاونی

1 - International Cooperative Association

ابتدایی است، ممکن است تصور شود که ایجاد آگاهی در تعاونی یک خواسته و فرایند پیچیده است، بویژه در وضعیتی که مفهوم "تعاونی" در جامعه مورد نظر جدید و یا بیگانه است.

زمانی که وضعیت تعاونیهای ابتدایی را در کشورهای در حال توسعه تجزیه و تحلیل می‌کنیم، فقدان عامل آگاهی یکی از چند دلیل ناامید شدن به تعاونیهای اولیه است. معرفی تعاونیها، تقریباً بدون استثناء، توسط دولتهایی آغاز شده است که یا توجه نداشته‌اند و یا از این واقعیت غفلت ورزیده‌اند که، پیش‌فرض موفقیت یک شرکت تعاونی، آگاهی اعضا آن می‌باشد. از طرف دیگر، در جاهایی که تعاونیهای اولیه موفق بوده‌اند، درجه بالایی از آگاهی در مورد تعاونیها و یک احساس مالکیت در بین اعضا وجود داشته است.

اطلاع و درک اساسی

این مسئله تحت عنوان راهبرد توسعه تعاونی ترجمه شده است، بدین معنی که عموم اعضا باید با اطلاعات و درک اساسی درباره تعاونیها، به عنوان وسیله‌ای برای بهبود وضعیت اقتصادیشان داشته باشند و یا قادر باشند چنین اطلاعات و درکی را به دست آورند. بدون چنین درکی، هیچ آگاهی از تعاونی بوجود نخواهد آمد و انتظار موفقیت نیز نمی‌رود. بنابراین برنامه‌های آموزش اعضا و تدابیری که مشارکت فعال اعضا را موجب می‌شود، برای توسعه تدریجی تعاونیهای اولیه موفق، لازم و ضروری تلقی می‌شود.

در یک مفهوم وسیعتر، سطح عمومی آموزش، نرخ باسوادی و... تا اندازه زیادی تعیین می‌کند آیا یک شرکت تعاونی ابتدایی، موفق خواهد شد یا نه. یک عضو بیسواد، برای به دست آوردن اطلاع و درک لازم برای نظارت و کنترل عملیات شرکت، مشکلات زیادی خواهد داشت. در چنین وضعیتی، خیلی مشکل است، هرچند غیرممکن نیست، شرکتی تعاونی موفق داشته باشیم (یعنی شرکتی تعاونی واقعی). تعاونیهای غیرواقعی یا شبه تعاونی، که البته وجود دارند، آنهایی هستند که اعضا نقش فرعی و بیرونی دارند و کارگزاران دولتی تمامی دستورات را می‌دهند.

برای اینکه یک شرکت تعاونی به طور موفق حرکت کند، لازم است اطلاع و درک قابل

پیشنیازهایی برای موفقیت تعاونیها

ملاحظه‌ای از اصول تعاونی و مکانیزمهای عملیاتی آن وجود داشته باشد. در حالی که اعضا لازم است حداقل دانش مقدماتی را داشته باشند، ولی رهبران ضروری است که درک عمیقتری نسبت به اصول و طرز کار تعاونی داشته باشند.

برای اینکه عملیات یک شرکت تعاونی در مسیر درست باقی بماند، انجام وظیفه کنترل توسط اعضا، سرنوشت‌ساز می‌باشد. مثالهای فراوانی از شرکتهای تعاونی وجود دارد که در آنها بواسطه بیسوادی و بی‌اطلاعی اعضا رهبران تعاونی و بعضی اوقات کارگزاران دولتی و سیاستمداران محلی شرکت را در جهت منافع خود استثمار کرده‌اند. این نوع استثمار در وضعیتی که اعضا باسواد و مطلع هستند، کمتر احتمال می‌رود توسعه یابد. قابلیت محاسبه و شفافیت، شرایط لازم برای اجرای وظیفه کنترل توسط اعضا می‌باشد.

درستی و راستی

بعضی اوقات مطرح می‌شود که درست بودن تا اندازه‌ای نسبی است (نسبت به احتمالی که فهمیده یا درک شود). یک شرکت درست، غالباً یک شرکتی است که دارای درجه بالایی از کنترل اجتماعی باشد. اگر اعضا تعاونی هوشیار، دانا، زیرک و خوب تشکل یافته باشند، برای رهبران تعاونی خیلی مشکل است که پول، کالاها و غیره را بیکار و بیهوده نگه دارند و بوضوح به همان اندازه در شرکت تعاونی درستی رایج است.

در حالی که کنترل اجتماعی و کنترل اعضا عوامل مهمی در ایجاد محیطی است که معمولاً موجب موفقیت تعاونیها می‌شود، ولی این برای تضمین موفقیت کافی نیست. برای اینکه یک شرکت تعاونی موفق باشد، لازم است رهبران تعاونی علاوه بر اینکه دانا باشند، همچنین باید اشخاصی درستکار، امین و بصیر نیز باشند.

موقعی که تاریخ تعاونیها را مطالعه می‌کنیم، واضح است که نقش سرنوشت‌ساز اشخاص کلیدی معینی را در موفقیت بسیاری از سازمانهای تعاونی مورد توجه قرار می‌دهیم. این شخصیت‌های برجسته، خودشان را وقف آرمان تعاونی کرده و خود را متعهد به آن می‌دانستند. در

بسیاری از این کشورهای اروپایی، معلمان مدارس ابتدایی ابزاری برای تشکیل شرکتهای تعاونی ابتدایی بوده‌اند. شایان ذکر است، دولتها هرگز به طور مستقیم وارد عمل نشده و فقط چارچوب قانونی را فراهم کردند و نقش آنها به ثبت‌نام و انحلال تعاونیها محدود می‌شد.

احتمال می‌رود در هر انجمن محلی، رهبران بالقوه تعاونیها وجود داشته باشند، برای اینکه از این امکان بالقوه استفاده شود، لازم است برای این اشخاص کلیدی ایده تعاونی مشخص شود. در یک کشور در حال توسعه، این کار می‌تواند از طریق تلاشهای سیستماتیک و یا مسئولین در بوجود آوردن سازمانهای تعاونی انجام شود. اطلاعات، تعلیم و تربیت، آموزش و نمایش عملی، ابزار اصلی برای افزایش رهبران تعاونی می‌باشد. بدون اینها، هیچ تعاونی رشد و پیشرفت نخواهد کرد.

کارمندان درستکار و شایسته

یک شرکت تعاونی ابتدایی، یک نوع سازمان نسبتاً پیچیده است. این شرکت یک سازمان داد و ستد بازرگانی است و فرض می‌شود عملیات تجاریش را کارا تر از هر نوع سازمان تجاری دیگر انجام می‌دهد. علاوه بر این، مشخصه منحصر بفردها این نوع سازمان این است که یک وضعیت دمکراتیک دارد و هر یک از اعضا و مالکین حق یک رأی دارند. اعضا هم مالک و هم ذینفع هستند. آنها یک هیئت ریسه انتخاب می‌کنند که در مقابل اعضا مسئول است.

به محض اینکه حجم عملیات تجاری افزایش یابد، نیاز به کارمندان ماهر برای اداره عملیات، روزبه‌روز افزایش می‌یابد و هیئت مدیره شرکت می‌بایست کارمند استخدام کند. در مراحل اولیه، اغلب توسعه عملیات تجاری بوسیله اعضای معمولی و اعضایی که گردهم آمده‌اند انجام می‌شود. این کار تا زمانی امکانپذیر است که حجم تجارت کوچک است و درآمد شرکت تعاونی به اندازه کافی زیاد نیست تا پرسنل حرفه‌ای استخدام کند.

سطح کیفی کارمند، یک عامل کلیدی برای موفقیت یک شرکت تعاونی است. معیار استخدام کارمندان در یک شرکت تعاونی مانند هر نوع سازمان تجاری دیگر است، یعنی باید پرسنلی استخدام شوند که درستکار و شایستگی لازم برای شغل خاص موردنظر را داشته باشند.

پیشنیازهایی برای موفقیت تعاونیها

مثالهای زیادی وجود دارد که در آنها شرکتهای تعاونی به دلیل کارمندان غیر صالح یا متقلب و یا هر دو شکست خورده‌اند. هیئت مدیره شرکتهای تعاونی، اغلب تمایلی به پرداخت حقوق کارمندان خود بر اساس نرخهای رایج بازار ندارند. در نتیجه، کیفیت کارمندان لطمه می‌بیند. این مسئله، در حقیقت یکی از جدی‌ترین تنگناها در بخش تعاونی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه است. این یک تصور غلط است که معتقد باشیم می‌توان به کارمندان و حرفه‌ایها در تعاونیها، حقوق کمتری نسبت به بخشهای تجاری دیگر پرداخت کرد. متأسفانه، این توهم، سخت تعاونیها را لنگ می‌کند. راه درمان در این مورد، آموزش هیئت مدیره تعاونیهاست، به نحوی که باعث شود آنها بفهمند که قادر نیستند به اهداف تعیین شده برای شرکت تعاونی دست یابند، مگر اینکه کارمندان شایسته استخدام و به آنها برابر نرخهای رایج بازار حقوق پرداخت کنند.

این مسئله مشکل است که از قبل بتوانیم بفهمیم که یک شخص معین درستکار است یا خیر. تنها روش انجام این کار، آن است که در موقع جدا کردن موارد مورد انتخاب خیلی دقت کنیم. قبلاً گفته شد که وقوع تقلب ارتباط نزدیکی با مکانیزمهای به کار برده شده برای کنترل و نظارت شرکت تعاونی دارد. در سیستمهای کم‌کنترل، احتمال وقوع کلاهبرداری، اختلاس، دزدی و غیره بیشتر است. هیئت مدیره شرکت تعاونی، یک مسئولیت خیلی مهم در کنترل کارکنان مدیریتی رده بالا دارد. مکانیزمهای کنترل و نظارت که در فوق بحث شد، باید در تمام شرکتهای تعاونی، بدون توجه به اندازه شرکتها، قرار داده شود. هیچ راه میان‌بری برای موفقیت وجود ندارد. هیئت مدیره باید کارمندان شایسته را استخدام کرده و به آنها حقوق کافی پرداخت کند و عملیات شرکت تعاونی را به طور صحیح کنترل و نظارت کند.

قابلیت زیست

یکی از معیارهای اساسی برای موفقیت یک شرکت تعاونی، قابلیت زیست اقتصادی آن است. یک تعاونی، یک سازمان بازرگانی است که فقط تا زمانی وجود خواهد داشت که یک مازاد ایجاد کند. هرچه حجم تجارتی که یک تعاونی در اختیار دارد کوچکتر شود، مشکلات بیشتری ایجاد

می‌شود. تشکیل یک شرکت تعاونی با حوزه عملیاتی کوچک که هیچ امکان بالقوه‌ای برای رسیدن به حجم کافی تجارت که برای حفظ زیست اقتصادی تعاونی لازم است، ندارد کاری بی‌پایه می‌باشد. البته، باید بگوییم این موضوع واضح است.

در یک وضعیتی که شرکتهای تعاونی به طور خودبه‌خود و طبیعی ظاهر شده و یا ابتکارات محلی شکل گرفته‌اند، این شرط موفقیت، یعنی حجم کافی (تجارت)، برآورده می‌شود. اگر این طور نباشد، شرکت تعاونی باقی نخواهد ماند. آنچه در این جا توضیح داده شد، توسعه روش از "پایین به بالا" است که برخلاف معیار از "بالا به پایین" است. اکثریت قابل توجهی از شرکتهای تعاونی در کشورهای در حال توسعه با پیش‌قدمی یا ابتکار دولتهایشان ایجاد شده‌اند. اغلب این را به عنوان وسیله اصلی برای توسعه، بویژه توسعه روستایی، نشان داده‌اند. شرکتهای تعاونی جدید، اغلب در امتداد طرز فکر اداری و بعضی اوقات در برخی از ایالتها در امتداد طرز فکر یک حزب سیاسی ایجاد شده‌اند. در نتیجه، این معیار بوروکراتیک برای توسعه تعاونی، بعضی اوقات یک الگو برای یک شرکت تعاونی در هر روستا، یا بخش یا زیربخش و غیره پیدا می‌کند، که بستگی به ساختار اداری کشور موردنظر دارد. ساختار اشاره شده، این توصیه کلی را بدون توجه به تغییرات زیاد در شرایط آب و هوایی، جغرافیایی، ترکیب جمعیتی و غیره که ممکن است وجود داشته باشد، انجام می‌دهد. دوباره تکرار می‌کنیم که این معیار، معیاری از "بالا به پایین" است. اعضا و مالکان شرکتهای تعاونی مورد مشورت قرار نمی‌گیرند.

تغییرات مکرر در سیاستهای دولت و از این طریق در تعاونها، و در نتیجه این فقدان ثبات، به ایجاد یک محیطی که موجب حفظ و بقا تعاونی شود، کمک نمی‌کند.

بازار

اهمیت وجود و دسترس به یک کارکرد بازار و ساختار بازاریابی، به ندرت بیش از حد تخمین زده می‌شود. بوضوح، موفقیت یا شکست شرکتهای تعاونی بستگی دارد به این که چگونه و تحت چه شرایطی می‌توانند کالاها یا خدماتشان را بفروشند. حتی، اگر تمام شرایط اساسی برای موفقیت

پیشنیازهایی برای موفقیت تعاونیها

وجود داشته باشد، باز ممکن است شرکت تعاونی بواسطه اوضاع نامطلوب بازاریابی شکست بخورد.

دومین و سومین سطح سازمانهای تعاونی، اغلب در رابطه با نیازهای شرکتهای تعاونی ابتدایی به بازاریابی تشکیل شده‌اند. به همین ترتیب، صنایع بسته‌بندی و کارخانه‌ای اگرچه در سطح اول تشکیل شده‌اند، ولی معمولاً مربوط به سطح دوم هستند که هدف از ایجاد آنها، تسهیل در فروش تولید اعضا می‌باشد. در حقیقت، موفق‌ترین ساختارهای تعاونی، آنهایی هستند که درجه بالایی از یکپارچگی یا ادغام عمودی^(۱) را توسعه داده‌اند، که در آن ارزش اضافی در داخل حوزه یا قلمرو تعاونی حفظ می‌شود و در نتیجه تعاونیها تقویت گردیده و در نهایت اعضا منتفع می‌شوند.

جنبه‌های متعددی وجود دارد که فرصتهای موجود شرکت تعاونی، برای فروش کالاها یا خدمات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مورد تعاونیهای روستایی، وضعیت زیربنای تعیین‌کننده است. وضعیت جاده‌ها، شبکه ارتباطات و غیره ممکن است تعیین کند که آیا یک شرکت تعاونی می‌تواند کالاهایش را به صورتی سودآور به فروش رساند یا خیر. در این جا دولتهای مرکزی و محلی مسئولیتهای مهمی در توسعه زیربنای دارند، تا منجر به توسعه اقتصادی گردد.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، دولتها فعالانه از تعاونیها حمایت کرده و وظیفه بازاریابی آنها را تسهیل می‌کنند. تعاونیها ممکن است به طور منحصر به فردی بزرگ شده و یا در بازار محصول معینی انحصار پیدا کنند. در چنین وضعیتی، دولت جهت اطمینان از تعیین پایینترین قیمت توسط تعاونی، اقدام به پرداخت یارانه بابت حمل و نقل کرده و از ساخت کارخانه‌های تولیدی و غیره، حمایت مالی می‌کند که این نوع حمایت مطلوب است. در حقیقت، بخش تعاونی باید حمایت دولت را دریافت کند و براساس پایه و شرایط یکسان با بنگاههای اقتصادی دیگر تشویق شود. به همین ترتیب، دولت نباید تعاونیها را بیشتر از سازمانهای اقتصادی دیگر کنترل و نظارت کند. به عبارت دیگر، دولت باید نسبت به "شکل سازمان" بیطرف باشد.

1 - Vertical Integration

قانون

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که قبلاً مستعمره بوده‌اند، قانون تعاونی فعلی خود را از حاکمان مستعمرات به ارث برده‌اند. این موضوع بخصوص در رابطه با ممالکی که قبلاً توسط بریتانیا تصرف شده است صادق است. حاکمان مستعمره، یک قانون تعاونی برای هند در ابتدای قرن حاضر تهیه و تنظیم کردند، که این قانون بعداً به یک مدل برای تعاونیهای دیگر بریتانیا تبدیل شد. این قانون و دستگاه اداری مربوطه نقش پدری داشت و مبتنی بر یک فرض نادرست بود، که مردم بومی به تنهایی قادر به اداره کردن تعاونیها نمی‌باشند. این معیار، نوعاً یک معیار "از بالا به پایین" است و در نتیجه اعضا تمایل دارند که به تعاونیها به عنوان سازمانهای دولتی توجه کنند. به هر حال، مثالهای خوبی وجود دارد که در آنها تعاونیهای واقعی از ابتدا توسط اعضا ایجاد شده و شکل گرفته‌اند و به طور موفقیت آمیزی اداره شده‌اند. این مثالهای فراوان ثابت می‌کند که قدرت استعمارگر در فرض خود، مبنی بر اینکه مردم بومی قادر نخواهند بود که تعاونیها را به طور مستقل شکل دهند و اداره کنند، دچار اشتباه بوده‌اند.

محرک یا علت ایجاد تعاونیها توسط مسئولین مستعمرات، اساساً ورود به تولید کشاورزی برای مصرف و صادرات و انتقال کشاورزان از اقتصاد معیشتی غالب به اقتصاد پولی می‌باشد. در شرق آفریقا، مالیاتی به نام "Hut-Tax" مشهور است که هدف از آن تحت فشار قرار دادن جمعیت روستایی برای کسب وجه نقد بوسیله فروش نقدی تولیداتشان و یا بوسیله فروش نیروی کارشان به صاحبان مستعمره می‌باشد.

این مسئله موضوع تاریخ معاصر نیز هست. در حقیقت این مسئله بعد از پیروز شدن بسیاری از دولتهای مستقل باقی مانده است و آن دولتها دانسته یا ندانسته به قبول نظر پدران مستعمرات ادامه می‌دهند.

دولتها از زمان استقلال تا به امروز به تعاونیها، بویژه تعاونیهای روستایی، به عنوان یک وسیله پیشبرد و شتاب‌دهنده توسعه روستایی توجه می‌کردند. تمام جنبه‌های اساسی قانون تعاونی که از مسئولان مستعمرات به ارث رسیده بود توسط دولتهای جدید به کار گرفته شد و دستگاه

پیشنیازهایی برای موفقیت تعاونیها

کنترل نیز تقویت گردید. امیدها و آرزوهای زیادی در رابطه با تعاونیها، به عنوان یک وسیله مؤثر پیشبرد توسعه ایجاد شد. با نگاهی به گذشته می توان گفت یک ایده غیرواقع گرایانه و بعضی اوقات خیالی وجود داشته است، مبنی بر اینکه، اگر تعاونی وجود داشته باشد، تمام مسائل حل خواهد شد و این تنها راه حل است. گرچه در این نوع بیانات حسن نیت وجود داشته است، ولی ممکن است ضرر آنها نسبت به فایده آنها برای تعاونی بیشتر بوده و موجب افزایش انتظارات غیرواقع بینانه گردد.

شرکتهای تعاونی متعدد جدیدی در دهه های بعد از استقلال کشورها تشکیل شدند، اما بیشتر آنها از روی عجله و بدون تأمل و تدارک لازم ایجاد شده بودند. در نتیجه، بسیاری از این تعاونیهای تازه تأسیس شده یا دچار اضمحلال شده و یا تعطیل شدند. دلیل اصلی آن، وجود تصور اشتباه و یا عدم وجود شرایط اساسی موفقیت در آنجا بوده است. یک تصور اشتباه از تعاونیها و کمکهای دریافت شده، از یک طرف باعث گردیده که یک یورش و تهاجم برای تشکیل شرکتهای تعاونی ایجاد شود و از طرف دیگر، در بسیاری از موارد موجب تأخیر در تشکیل شرکتهای تعاونی شده است.

به نظر می رسد منظور از فرض اصلی قانون تعاونی این است که زمانی که تمامی شرایط موفقیت تعاونیها وجود ندارد، دولت باید دخالت کرده و آنچه را که معمولاً اعضا و رهبران برگزیده تعاونیها انجام می دهند، انجام دهد. این تصور اساساً اشتباه است. هیچ کس نمی تواند انتظار داشته باشد که با چنین دیدی، یک حرکت تعاونی مستقل و از نظر اقتصادی زنده توسعه یافته و کامیاب شود. در فرایند توسعه تعاونیها، محدودیتهای مشخصی در رابطه با اداره کردن آنها وجود دارد. امروزه می توان این نتیجه را در رابطه با بسیاری از ساختارهای تعاونی کاذب (که توسط مأمورین و یا کارکنان دولتی شروع، کنترل و اداره شده اند) مشاهده کرد.

برای توسعه یک حرکت تعاونی مستقل، دمکراتیک و از نظر اقتصادی زنده، لازم است دولتها ابتدا نسبت به ماهیت درست یک شرکت تعاونی اطلاع پیدا کرده و سپس قوانینشان را مطابق با آن اصلاح کنند. در این رابطه، هرچه زودتر این کار انجام شود بهتر خواهد بود.

نتیجه

طرح تعاونی معرفی شده در این مقاله، این تصور را ایجاد می‌کند که اکثریت شرکتها و ساختارهای تعاونی در کشورهای در حال توسعه، تعاونیهای واقعی نیستند. آنچه بدیهی به نظر می‌رسد آن است که تغییر در سیاستها و معیارها برای توسعه تعاونی ضروری است. مسئله دیگری که از اهمیت یکسانی برخوردار است، ماهیت واقعی یک شرکت تعاونی است که برحسب عواملی کلیدی نظیر: سیاستمداران، مأموران دولتی، کارمندان تعاونی یا نمایندگان سازمانهای بین‌المللی تشخیص داده می‌شود.

این بحث، در ناحیه آسیا - اقیانوسیه در چند سال اخیر مطرح شده است. در این ارتباط، دو گردهمایی، یکی در سیدنی استرالیا در ۱۹۹۰، و دیگری در جاکارتا اندونزی در فوریه ۱۹۹۲ متشکل از وزرای تعاون این کشورها برگزار شده است. در این اجلاس وضعیت تعاونی در پنج کشور مورد بحث قرار گرفته است. تغییرات واقعی در قانون تعاونی و سیاستهای مربوط به تعاونیها در تعدادی از کشورها انجام شده است و این امر موجب استقلال بیشتر تعاونیها و کنترل کمتر دولت شده است و فرآیند انتقال از تعاونیهایی که توسط دولت تأسیس و کنترل شده‌اند، به تعاونیهای مستقل که توسط اعضا ایجاد شده‌اند، در بسیاری از کشورها در جریان است. درخور یادآوری است که این فرایند ادامه و شدت خواهد یافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی